

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شاخص‌های مهم اقتصادی بر وقوع سرقت

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۰

از صفحه ۱۱۱ تا ۱۳۲

قدیر بخشی جغتاب^۱، مراد عباسی^۲

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی و سرقت براساس آمارهای رسمی کشور صورت گرفته تا از این طریق بتواند سهم هر یک از متغیرهای مستقل را شناسایی و تعیین کند.

روش: این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی بوده که در آن، روش تحلیل کمی با رویکرد طولی- تطبیقی به کار گرفته شده و تحلیل‌ها در دو سطح توصیفی و تبیینی انجام گرفته است. الگوی نظری تحقیق با تحلیل ثانویه داده‌های آماری رسمی مرکز آمار ایران در خصوص سرقت به‌عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های کلان و مهم اقتصادی (بیکاری، تورم و رشد اقتصادی) به‌عنوان متغیرهای مستقل تحقیق در دوره زمانی ۷ ساله (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴) مورد آزمون تجربی قرار گرفته است.

یافته‌ها: ضریب همبستگی سرقت با متغیرهای نرخ تورم، نرخ بیکاری و رشد اقتصادی به اندازه ۰/۷۵۷ است. نسبتی از واریانس سرقت که توسط متغیرهای مذکور تبیین شده، معادل ۰/۵۷۳ است و با توجه به سطح معناداری به دست آمده، می‌توان گفت که متغیرهای مستقل قادرند بخشی از تغییرات متغیر سرقت را تبیین کنند.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج تحقیق، متغیرهای مستقل مورد نظر از عوامل مؤثر بر سرقت می‌باشند؛ به گونه‌ای که تأثیر متغیرهای تورم و بیکاری بر سرقت مستقیم و رابطه متغیر رشد اقتصادی با سرقت معکوس بوده است که وجود رابطه‌های مذکور نیز تأیید شده است و لازم است سیاست‌گذاران کشور برای کاهش جرائم مربوط به سرقت، پیش از اینکه توجه خود را به مسائل انتظامی و قضایی معطوف کنند، به زمینه‌های افزایش جرم سرقت توجه بیشتری داشته باشند.

کلید واژه‌ها: سرقت، بیکاری، نرخ تورم، رشد اقتصادی، جرم.

استناد: بخشی جغتاب، قدیر و عباسی، مراد (بهار ۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شاخص‌های مهم اقتصادی بر وقوع

سرقت. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۶(۶۱)، صص ۱۳۲-۱۱۱.

DOR: dori.net/dor/20.1001.1.17359367.1400.16.1.5.3

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

Alireza_bakhshi@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران، Abasi.mn@gmail.com

مقدمه

سرقت به معنای ربودن اموال دیگران به صورت غیرقانونی با استفاده از زور، تهدید یا با استفاده از روش‌های نوین دیگر و در لغت به معنی دزدیدن، دزدی کردن یا بردن مال دیگری آمده است. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در تعریف سرقت در ماده ۲۶۷ مقرر می‌دارد: «سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر». سرقت را معمولاً ربودن مال دیگری بدون اطلاع یا رضایت وی و با قصد برنگرداندن آن یا به تعبیر دیگر، تصرف غیرقانونی در مال دیگران با یا بدون خشونت خوانده‌اند. انگیزه سرقت، اغلب محرومیت نسبی و احساس سرخوردگی از شکست در تحقق انتظارات در طبقات پایین و هدف اصلی از سرقت، جبران محرومیت‌هاست (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰، ص ۹۸). سرقت از جرائم مهم و شایع در اکثر جوامع و عملی است که تقریباً در تمام ادوار زمانی دیده شده است. این جرم در گذشته‌های بسیار دور نیز وجود داشته و به اشکال مختلف انجام شده است که بعد از قتل از باسابقه‌ترین جرائم است که دستخوش تغییرات زیادی بوده و شکل انجام آن در زمان‌های متفاوت و در جوامع مختلف دچار تحول شده است. شکل انجام، شیوه و مسائل و ابزار مورد استفاده، نوع مال و اشیاء مسروقه، همچنین وضعیت سارقان از جهات گوناگون تغییر کرده است. امروزه، سرقت‌ها علاوه بر اشکال قدیمی آن، با برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌وری از امکانات پیشرفته نیز انجام می‌شود و به همین لحاظ مقابله و برخورد با سرقت و سارقان نیز متناسب با اقدامات سارقان متحول شده و به صورت علمی و حساب‌شده درآمده است (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).

بررسی آمارها نشان می‌دهد در ایران، میزان سرقت در سال‌های اخیر سیر صعودی داشته است؛ به طوری که بعد از مواد مخدر، سرقت دومین جرم عمده در کشور محسوب می‌شود و تبیین این امر نیازمند تحقیقی فراگیر هست. به عبارت دیگر، سرقت به عنوان یک آسیب اجتماعی، دارای علل اجتماعی است که باید آن را شناخت و در جهت حذف زمینه‌های اجتماعی مساعد برای ابتلای افراد حرکت کرد. آمارهای رسمی بانک مرکزی نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۸ به بعد، به دلیل تحریم‌های گسترده و ظالمانه

بین‌المللی علیه ایران، متغیرهای کلان اقتصادی از نوسانات بالایی برخوردار بوده‌اند و بی‌ثباتی‌های مذکور بر وقوع جرم به‌خصوص سرقت در کشور تأثیر بسزایی داشته است. لذا این پژوهش، به بررسی رابطه نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی (نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی) و سرقت پرداخته است تا از این طریق بتواند سهم هر یک از متغیرهای مستقل را شناسایی و تعیین کند. بر مبنای اطلاعات گزارش شده از سوی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی کلان در طی دوره‌های اخیر در وضعیت نامناسبی قرار داشته‌اند؛ به‌طوری که کشور در سال ۱۳۹۱ از نرخ رشد اقتصادی معادل ۵/۸- درصد و از تورم ۳۰ درصدی برخوردار بوده است و این روند در سال ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و سال‌های پس از آن نیز تکرار شده است. از طرف دیگر، روند سرقت در کشور نیز طی دوره مذکور از سیر صعودی برخوردار بوده است، به‌گونه‌ای که فراوانی انواع سرقت در کل کشور از ۲۴۴ هزار فقره در سال ۱۳۸۸ به حدود ۷۹۵ هزار فقره در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

همسویی و هم‌تغییری آمارهای رسمی در خصوص مسئله پژوهش حاضر، در قدم اول نشانگر رابطه مستقیم بین شکل‌گیری جرم (سرقت) و وضعیت نامناسب شاخص‌های اقتصادی مهم است. اهمیت و ضرورت بررسی و واکاوی علمی سرقت بیشتر از این جهت است که شیوع سرقت به‌طور خاص بر هم‌زنده امنیت مالی در جامعه است؛ ایجاد حس تهدید مالی و جانی در افراد جامعه، ضمن آنکه انگیزه آن‌ها را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت مشروع تضعیف می‌کند، تسهیل‌کننده هرج‌ومرج در مناسبات و روابط اجتماعی و به دنبال آن تزلزل در بنیان‌های نظم عمومی و تقویت بی‌سامانی اجتماعی است. رفع نیازهای فردی و جمعی به هر شیوه ممکن از طریق تجاوز به اموال غیر و همچنین انتخاب (الگوی سرقت) به‌عنوان شیوه‌ای برای تقویت خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری، ظهور و شیوع سایر جرائم اجتماعی را نیز در پی دارد (افشاری، ۱۳۷۳، ص ۱۸). پدیده سرقت تأثیر منفی معناداری بر شأن و منزلت و اقتدار پلیس نیز بر جای می‌گذارد (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۳۲). امروزه به لحاظ پیچیدگی روابط اجتماعی و وجود رابطه اجتناب‌ناپذیر در زندگی شهروندان، سرقت نه تنها شخص مالباخته، بلکه به

موازات آن، امنیت جامعه را نیز متزلزل می‌کند و انگیزه کار و تلاش و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد. سرقت، موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و بخش‌های زیادی از بیت‌المال و سایر امکانات کشور باید صرف پیش‌گیری از سرقت و مبارزه با تبهکاران و سارقان، اداره زندان‌ها، تأمین زندگی خانواده‌های زندانیان شود و آثار زیان‌بار آن بر آحاد شهروندان تحمیل و اضطراب و نگرانی دامن‌گیر خانواده‌ها می‌شود و از لحاظ سیاسی، امنیت داخلی مخدوش شده و موجبات نارضایتی و اعتراض مردم را فراهم می‌کند. هدف این مطالعه، بررسی رابطه نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی (نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی) و سرقت براساس آمارهای رسمی کشور در سال‌های اخیر (دوره تحریم‌های اقتصادی) است تا از این طریق بتواند سهم هر یک از متغیرهای مستقل را شناسایی و تعیین کند.

در خصوص تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر وقوع جرم سرقت براساس آمارهای رسمی کشور، تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته است، ولی نتایج بسیاری از پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی از قبیل (نرخ بیکاری، تورم و غیره) با نرخ سرقت، رابطه معناداری دارند. شجاعیان و رحیم‌پور (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی اثرسنجی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی بر جرائم سرقت شهر اهواز» به این نتیجه رسیده‌اند، تحلیل فضایی و بررسی‌های آماری صورت گرفته نشان داد که ترکیب شرایط فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی در پهنه‌های مختلف شهر سبب بروز ناامنی در کلانشهر اهواز شده و در تراکم فزاینده جرم‌خیزی و ناامنی در منطقه شش و امنیت در منطقه دو شهر اهواز تأثیر گذار بوده‌اند. عباسی و کاروانی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «رابطه بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین» نشان می‌دهند که شاخص فرهنگ فقر با جرم سرقت، تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرائم منافی عفت رابطه معنادار معکوس داشته است. به عبارتی، میزان ارتکاب جرائم موردبررسی در افراد واجد فرهنگ فقر نسبت به افراد فاقد این فرهنگ بیشتر است. همچنین، سجودی (۱۳۹۲) در بررسی‌های خود نشان می‌دهد که جنسیت، میزان درآمد خانواده، کنترل درونی، بیرونی

با سرقت رابطه معناداری دارد. سرگلزایی و بایاری (۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که عامل موقعیت جغرافیایی و اقتصادی، بیکاری، حاشیه‌نشینی، ضعف نظارت و اختلاف خانوادگی، طلاق و عدم آشنایی مجرمان به عواقب مجازات در میزان بروز سرقت مؤثر است.

بررسی‌های محمدی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که پیوند اجتماعی، علایق دینی، وضعیت خانوادگی، سطح سواد، وضعیت اقتصادی، ویژگی‌های گروه دوستان و علاقه به کسب درآمد از طریق نامناسب با سرقت رابطه معنادار دارد. براساس نتایج پژوهش حامد و پشنگ (۱۳۸۹) نیز پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین سارقان، نقش مؤثری را در ارتکاب سرقت داشته است. همچنین، یافته‌های محسنی تبریزی و پروین (۱۳۸۸) حاکی از آن است که تفاوت معناداری میان دو گروه تجربی (سارق) و کنترل (غیر سارق) به لحاظ میزان گسیختگی خانوادگی، وضعیت اجتماعی- اقتصادی، میزان پیوند اجتماعی، میزان احساس محرومیت نسبی و میزان همشینی کج‌روان است. مرتضی حسینی‌نژاد (۱۳۸۴) نیز در مطالعه خود نشان می‌دهد که تأثیر افزایش نابرابری بر سرقت در جامعه اثر مثبت و فزاینده است و افزایش هزینه‌های انتظامی و رشد اقتصادی اثر کاهنده بر آن در بردارد. پژوهشی با «عنوان نابرابری و جرم» در چین از چوانگ و وو^۱ (۲۰۱۲)، به تأثیر نابرابری بین استانی روی نرخ جرم در چین پرداخته است. این پژوهش با روش تجربی، دو نوع نابرابری (نابرابری منطقه‌ای بین استانی و نابرابری در مصرف بین مناطق روستایی و شهری) را بررسی کرده و به نابرابری در فرصت‌های شغلی بین این دو بخش نیز پرداخته است. مطابق نتایج این پژوهش، نابرابری منطقه‌ای، ارتباط مستقیم و مثبتی با میزان جرم سرقت دارد. همچنین، کلی^۲ (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که برای جرائم (سرقت و غیره)، تأثیر نابرابری حتی در حضور متغیرهایی مانند فقر، نژاد و اقتصاد خانوار بسیار زیاد است (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴).

1. Cheong & Wu

2. Kelly

سرقه، از قدیمی‌ترین جرائم علیه اموال و عملی است که تقریباً در کلیه جوامع دیده می‌شود؛ به این علت که نسبت به سایر جرائم، سهل‌تر و منفعت حاصل از آن قابل دسترس است. سرقه واکنشی است نسبتاً عقلانی و حساب‌شده که طبق برنامه معین و با تصمیم‌گیری قبلی در مورد انتخاب قربانی و چگونگی فرایند انجام کار صورت می‌گیرد. سرقه عمدتاً کج رفتاری اقتصادی دون پایگان است و کنشگران آن، افرادی بدنام و فاقد منزلت اجتماعی تلقی می‌شوند. قانون هم اینگونه کج رفتاری‌ها را بیشتر زیر ذره‌بین خود می‌گذارد و مردم نیز خواهان واکنش‌های سریع‌تر و سخت‌تری نسبت به آن‌ها هستند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰، ص ۹۳). جرم سرقه تنوع و گوناگونی زیادی داشته و از سرقه ابزارهای تولید و شکار (در گذشته) گرفته تا سرقه از افراد، بانک‌ها، خودروها، جواهرفروشی‌ها، مغازه‌ها، موزه‌ها تا منازل را شامل می‌شود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴). علاوه بر انواع سرقه، سارق یا سارقان نیز یک دسته نیستند، بلکه براساس نوع فعالیت‌های آن‌ها به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند؛ برخی از سارقان معمولاً به صورت تخصصی به یک نوع سرقه تمرکز دارند و برخی دیگر در هر نوع فرصت و سرقه که امکانش باشد مشارکت دارند. در کل، سارقان را می‌توان به چند دسته کلی (مبتدی یا دله دزد، معتاد، زورگیر و حرفه‌ای) تقسیم کرد. سارقان معتاد، عموماً به منظور تأمین مواد مخدر، اقدام به سرقه می‌کنند. سارقان زورگیر با استفاده از زور (سلاح گرم و سرد) به دنبال تهدید قربانی هستند. سارقان مسلح خودروها و بانک‌ها جزو این گروه‌اند؛ آن‌ها فوق‌العاده خطرناک هستند و در خیلی موارد مرتکب ضرب و جرح و حتی قتل می‌شوند. زورگیرها بیشتر پول، جواهرات، اتومبیل و اموال منقول ارزشمند را می‌ربایند. سارقان حرفه‌ای، افرادی هستند که با نقشه قبلی، برنامه‌ریزی دقیق و به صورت گروهی، اقدام به سرقه چیزی خاص از محلی معین می‌کنند (حکیمی نیا، ۱۳۹۴، صص ۶۹-۶۸).

پدیده سرقه در جوامع مختلف بشری شیوع داشته و با گذشت زمان و توسعه پیچیدگی جوامع، بزهکاران نیز به اسباب و ابزارهای کامل‌تر و فنی‌تر روی آورده و هرروز بر پیچیدگی نحوه ارتکاب به آن نیز افزوده شده است. معمولاً، سرقه از سرقه‌های

معمولی و کوچک آغاز می‌شود و به تدریج با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی، وسیع‌تر و حرفه‌ای‌تر می‌شود. عوامل و متغیرهای بسیاری مانند عوامل ذهنی، جنسیت، سن و شرایط خانوادگی و اجتماعی می‌تواند با سرقت ارتباط داشته باشد، اما بیش از همه، متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در آن دخالت دارند. بدون تردید، وقوع سرقت معلول انگیزه‌ها، شرایط و علل و عوامل پیچیده و بسیاری است که موضوع علوم مختلفی همچون جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روان‌شناسی کیفری، روان‌پزشکی و جامعه‌شناسی کیفری است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، عوامل متعددی همچون فقر، محرومیت، تبعیض، بیکاری، کاهش تراکم اخلاقی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، نابرابری اقتصادی، آنومی، عدم توزیع عادلانه منابع کمیاب (ثروت، قدرت و منزلت)، ساختارهای معیوب نظارتی و فقدان کنترل اجتماعی، مهم‌ترین عوامل دخیل در پدیده سرقت هستند. بررسی‌های روان‌شناسان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان دربارهٔ محکومان و زندانیان سرقت، نقش تأثیرگذار این بحران‌ها و به‌خصوص بحران‌های اقتصادی و بیکاری را بر سرقت نشان می‌دهد. به‌استثناء معدود سارقانی که به‌گونه‌ای تفریحی و بیشتر به دلیل مشکلات روانی اقدام به سرقت می‌کنند، اکثر سارقان به دلیل مشکلات اقتصادی و بیکاری به سرقت به‌عنوان یک راه‌حل روی می‌آورند. اگرچه مشکلات اقتصادی در برخی از موارد به دلیل زیاده‌خواهی و فرون‌طلبی فرد به وجود می‌آید، اما اکثر محکومان و زندانیان سرقت، افرادی هستند که برای تأمین حداقل نیازهای معیشتی خود و خانوارهایشان مرتکب سرقت شده‌اند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵، صص ۱۲۵-۱۲۶).

سرقت از دیدگاه‌های نظری مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این دیدگاه‌ها، نظریهٔ پاره‌گروه بزهکار آلبرت کوهن است. فرض اصلی کوهن بر این است که افراد منحرف و بزهکار، آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته‌اند، ولی به علت شکست یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیدهٔ اجتماعی، دچار محرومیت شده و لذا آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به دست آوردن منزلت و وجهه، جایگزین می‌سازند و در نتیجه پاره‌فرهنگ بزهکاری به وجود

می‌آید و بدین وسیله افراد تلاش می‌کنند بر مشکلات خود فائق آیند. در واقع، فرهنگ فرعی به وجود آمده (که از فرهنگ کلی جامعه اخذ شده است)، در خلاف جهت قرار می‌گیرد و ارزش زیادی برای اعمال بزهکارانه همچون سرقت، ولگردی و فحشاء قائل می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۸۴). از دیدگاه‌های نظری دیگر برای تحلیل سرقت، نظریه ساخت اجتماعی مرتن است. نظریه مرتن مقابل نظر کسانی است که ریشه کج رفتاری را به کشش‌های غریزی در وجود فرد مربوط می‌دانند. به نظر مرتن، ساخت اجتماعی در مراحل خاص، شرایطی فراهم می‌کند که شکستن قواعد حقوقی، پاسخی طبیعی تلقی می‌شود. ساخت‌های اجتماعی فشارهای خاصی بر برخی افراد وارد می‌کند و آن‌ها را وامی‌دارد که به کارهایی که از نظر جامعه نیز مجرمانه است، اما سبب بقای فرد می‌شود، دست یازند. احتکار، دزدی و تقلب از جمله راه‌های سریع و فوری است که جامعه آن‌ها را منع کرده است (قاسمی و حسن لو، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

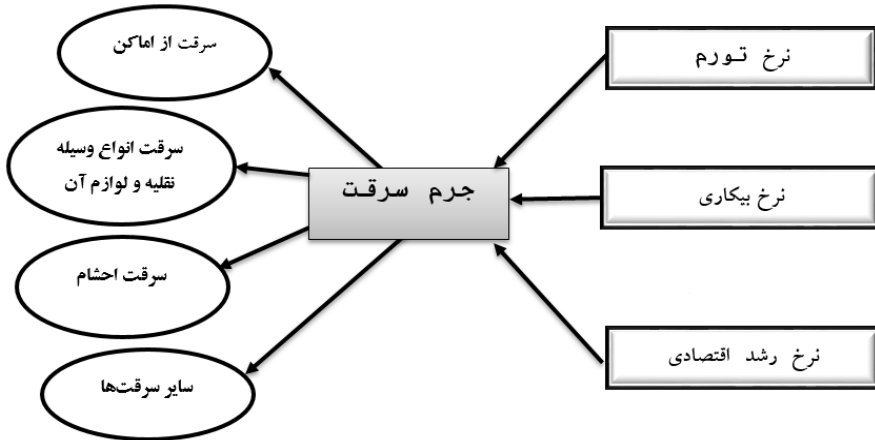
نظریه اقتصادی جرم از نظریات مهم مورد نظر در بررسی علل و عوامل سرقت به حساب می‌آید. مطالعات اقتصادی نشان داده‌اند که اولاً با بروز بحران‌های اقتصادی، بر شدت جرم سرقت افزوده می‌شود. ثانیاً، با افزایش اشتغال از میزان سرقت کاسته می‌شود. ثالثاً، میزان سرقت در میان طبقات کمتر برخوردار جامعه، بیش از طبقات دیگر است. پذیرش ارتباط ساختاری اقتصادی و جرم در نظریه نت لر به این صورت بیان می‌شود که رفتار افراد تا حدود زیادی با بررسی شرایط محیطی و اجتماعی قابل پیش‌بینی است و رفتارهای نابهنجار و غیرعادی در بحث‌های جرم‌شناسی به‌عنوان یک عنصر اجتماعی تلقی می‌شود؛ نه عنصری زیست‌شناختی. ویلیام بونگر نیز بیان می‌کند که عوامل اقتصادی، تأثیرات قابل توجهی روی فعالیت‌های فردی از جمله جرم دارند، به‌خصوص اگر این عامل اقتصادی؛ سطح فقر، نابرابری درآمدی و هزینه‌های فرصت اقتصادی باشند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

یکی از عوامل بسیار مهم در تبیین جرم سرقت، فقر است. مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نیست، بلکه مشکلات این مسئله اقتصادی زمانی شدت می‌یابد که بستر ساز انحرافات می‌شود و در واقع مکانیسم تأثیرگذاری اقتصاد بر اجتماع، معمولاً از

کانال فقر، بیکاری و نابرابری نشئت می‌گیرد (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۸). مطالعات صورت گرفته در آمریکا توسط ژاکوبی نیز نشان می‌دهد که علاوه بر اثرات فقر و نابرابری‌های اقتصادی، بیکاری نیز رابطه مثبت و معناداری با جرائم مالی نظیر سرقت دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۷۰). بررسی کوک و زارکین نشان می‌دهد که همبستگی دوسویه میان وضع اقتصادی و سرقت وجود دارد، به گونه‌ای که در دوران رکود اقتصادی و بیکاری، شمار دستبرد زدن به خانه‌ها و دزدی‌های همراه با خشونت در نمونه بررسی شده افزایش یافته است (مداح، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹). نرخ بیکاری به عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران بوده و به لحاظ اثرات تبعات منفی اقتصادی-اجتماعی، حائز اهمیت است. به طور مشخص، بیکاری بر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی به خصوص جرم تأثیرگذار بوده و از لحاظ مبانی نظری نیز مورد تأیید است (قاسمی و حسن لو، ۱۳۹۳، ص ۳۱۲۹). تئوری اقتصادی جرم، براساس مدل ارائه شده به وسیله گری بکر^۱ (۱۹۶۸)، جرم را به عنوان یک نوع فعالیت، مثل هر فعالیتی که زمان می‌برد و منافع اقتصادی را به همراه دارد، مورد بررسی قرار می‌دهد. براساس این تئوری، یک شخص میان فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی به وسیله مقایسه منافع این فعالیت‌ها و در چارچوب نظری اقتصادی انتخاب تحت شرایط بی‌اطمینانی، انتخاب می‌کند. این مدل نظری بر روی جرائم علیه اموال (سرقت) قابل اجرا است (گرشاسبی فخر، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵). اثر عوامل اقتصادی بر جرم در مطالعه باردت، لاگوس و رایت نیز مورد تأکید گرفته است. آن‌ها در تحلیل نظری خود مدلی را طراحی کرده‌اند که رابطه میان نابرابری و بیکاری با جرم را در حالت‌های مختلف تعادلی مورد بررسی قرار داده‌اند (مداح، ۱۳۸۸، ص ۳۰۸). در خصوص تأثیر تورم در بزهکاری، مارکز و انگلز معتقدند که تورم و نوسانات قیمت در ارتکاب جرائم تأثیر کلی دارند. اگر اوضاع اقتصادی کشور مطلوب باشد، تعداد بزهکاران جرائم مالی و دارایی کاسته می‌شود، ولی وقتی که قیمت‌ها بالا باشد، افراد کم‌درآمد جامعه برای اینکه بتوانند

1. G. Becker

نیازهای اساسی خود را تأمین کنند، به ارتکاب جرم سوق داده می‌شوند (شاهینی، ۱۳۹۵، ص ۱۲).



شکل ۱ - مدل مفهومی تحقیق

روش

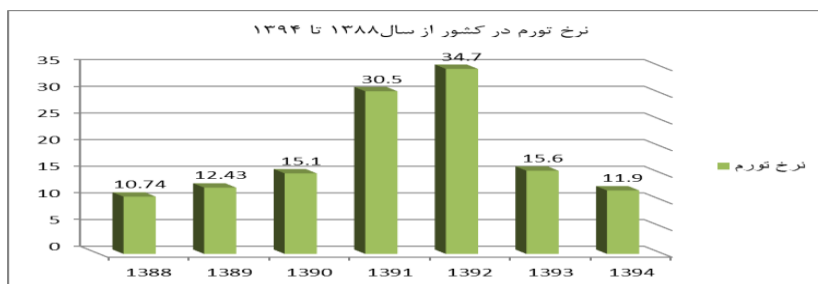
در این تحقیق، روش تحلیل کمی با رویکرد روش طولی - تطبیقی به کار گرفته شده و تحلیل‌ها در دو سطح توصیفی و تبیینی انجام گرفته است. در سطح توصیفی، از فن جداول فراوانی و نرخ‌ها استفاده شده است. در سطح تبیینی نیز از فن همبستگی و رگرسیون بهره گرفته شده است و الگوی نظری تحقیق با تحلیل ثانویه داده‌های آماری رسمی مرکز آمار ایران در خصوص سرقت به‌عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های کلان و مهم اقتصادی (بیکاری، تورم و رشد اقتصادی) به‌عنوان متغیرهای مستقل تحقیق در دوره زمانی ۷ ساله (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴) مورد آزمون تجربی قرار گرفته است.

یافته‌ها

جدول ۱ - شاخص‌های اقتصادی (نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی) ایران

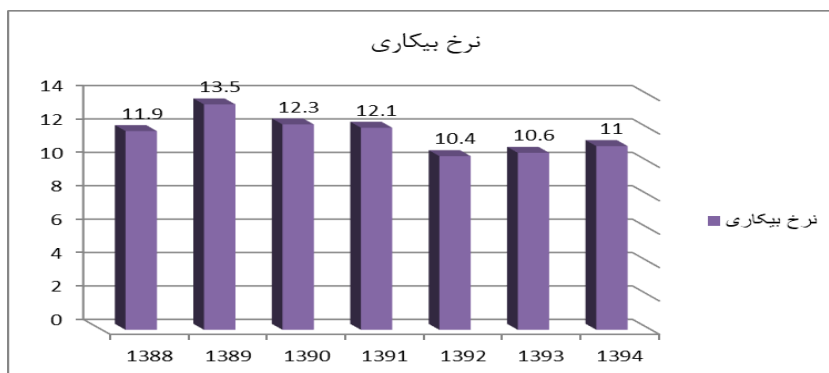
دوره زمانی	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
شاخص اقتصادی							
نرخ تورم	۱۰/۷۴	۱۲/۴۳	۱۵/۱	۳۰/۵	۳۴/۷	۱۵/۶	۱۱/۹
نرخ بیکاری	۱۱/۹۰	۱۳/۵۰	۱۲/۳	۱۲/۱	۱۰/۴	۱۰/۶	۱۱
نرخ رشد اقتصادی	۲/۹۵	۵/۷۵	۳	-۵/۸	-۱/۹	۳	۱

(منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری، ۱۳۹۴)



نمودار ۱ - نرخ تورم در ایران از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، ایران در ۷ سال اخیر، کمترین نرخ تورم را در سال ۱۳۸۸ داشته و در سال ۱۳۹۲، بالاترین نرخ تورم را تجربه کرده است و پس از روند افزایشی سرکشانۀ نرخ تورم تا سال ۱۳۹۲، سرانجام از سال ۱۳۹۳ روند کاهشی به خود گرفته است.

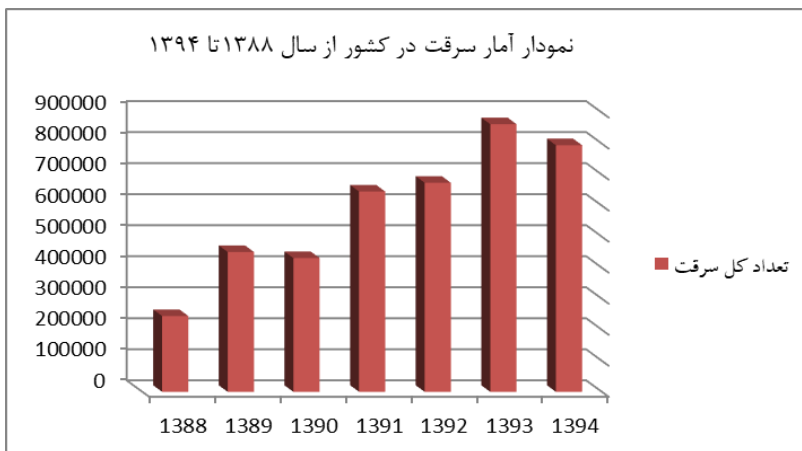


نمودار ۲ - نرخ بیکاری در کشور از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴

جدول ۲ - آمار سرقت در کل کشور به تفکیک نوع سرقت از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴

نوع سرقت	دوره زمانی							
	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
سرقت از اماکن	اماکن دولتی	۲۲۳۲	۲۹۲۳	۳۶۲۷	۴۵۹۴	۷۶۵۲	۶۱۲۹	۴۷۴۶
	منازل	۳۸۹۱۸	۵۳۸۰۳	۵۷۵۶۵	۶۷۰۶۵	۸۷۶۵۵	۹۰۲۵۴	۸۶۲۹۰
	مغازه‌ها	۱۳۵۳۹	۱۸۵۴۱	۱۸۸۸۱	۱۹۰۳۵	۲۳۱۶۲	۲۲۷۸۴	۲۲۱۳۰
	مراکز صنعتی و تجاری	۱۳۵۴	۲۱۷۶	۲۴۸۸	۵۰۱۹	۸۹۹۰	۸۳۶۵۵	۷۵۲۵۰
	سایر اماکن	۱۲۹۶۳	۲۰۴۹۴	۲۵۹۳۰	۴۰۴۸۴	۶۵۵۱۳	۲۸۹۳۸	۳۵۹۹۰
سرقت انواع وسایل نقلیه و لوازم آن	اتومبیل	۲۲۰۱۱	۴۰۶۶۴	۴۶۹۸۸	۶۹۴۵۴	۷۹۰۷۰	۸۳۶۸۶	۷۵۸۴۹
	موتورسیکلت و دوچرخه	۲۸۶۸	۸۴۹۱۵	۷۵۹۷۳	۸۲۷۶۲	۹۲۱۷۳	۹۲۷۳۸	۹۰۳۰۱
	قایق، موتور دریایی	۳۱۶	۱۲۷	۱۱۵	۱۲۹۶	۱۴۶	-	-
	لوازم خودرو و وسایل داخل آن	۷۸۱۰۹	۱۲۵۶۴۲	۱۴۵۵۴۷	۲۱۴۶۲۷	۱۵۵۹۸۹	۲۸۱۲۳۸	۲۴۷۸۴۶
سرقت احشام	۸۸۵۲	۱۱۲۷۶	۱۱۰۹۲	۱۱۶۳۱	۱۳۲۲۷	۱۳۳۷۸	۱۳۳۷۸	
سایر	۶۳۱۸۰	۹۰۰۰۹	۴۲۹۴۹	۱۲۹۷۷۵	۱۳۸۹۷۰	۱۵۹۸۳۹	۱۵۹۸۳۹	
کل کشور	۲۴۴۳۴۲	۴۵۰۵۷۰	۴۳۱۱۶۲	۶۴۵۷۴۲	۶۷۳۸۶۷	۸۶۲۶۳۹	۷۹۴۹۵۶	

(منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری، ۱۳۹۴)



نمودار ۳ - فرایند سرقت در ایران

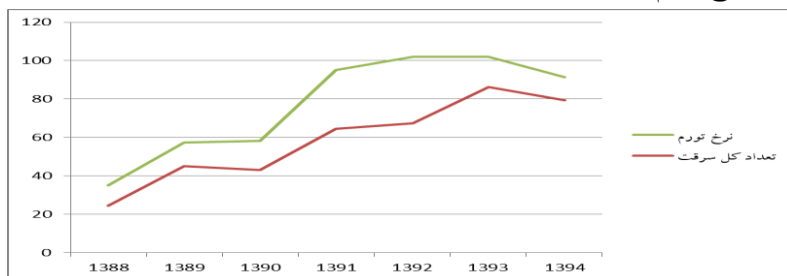
همان‌گونه که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود، سال ۱۳۸۸ کمترین تعداد سرقت‌ها به وقوع پیوسته و بیش‌ترین میزان سرقت مربوط به سال ۱۳۹۳ است و روند سرقت در ۷ سال اخیر با اندکی نوسان، دارای روند افزایشی فراوانی بوده است.

آزمون فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین نرخ تورم و میزان سرقت رابطه وجود دارد.

جدول ۳ - رابطه همبستگی میان دو متغیر نرخ تورم و سرقت

متغیرها (نرخ تورم و سرقت)	پیرسون (r)	سطح معناداری
شاخص آماری	۰/۱	۰/۰۰۰

برابر نتایج جدول ۳، بین نرخ بیکاری و تعداد کل سرقت در کشور رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌شود. شایان ذکر است که این میزان همبستگی در خصوص انواع سرقت؛ سرقت از اماکن دولتی (۰/۶۱۶)، سرقت از منازل (۰/۲۱۴)، سرقت خودرو (۰/۳۶۳)، سرقت موتورسیکلت (۰/۲۵۰)، سرقت قایق و موتور دریایی (۰/۵۴۶)، سرقت احشام (۰/۱۵۶) و سرقت از مغازه‌ها (۰/۲۴۲) در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار هست و با توجه به سطح معناداری به دست آمده، این فرضیه قابل قبول و مورد تأیید هست. منحنی زیر روند نرخ تورم و سرقت را طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد.



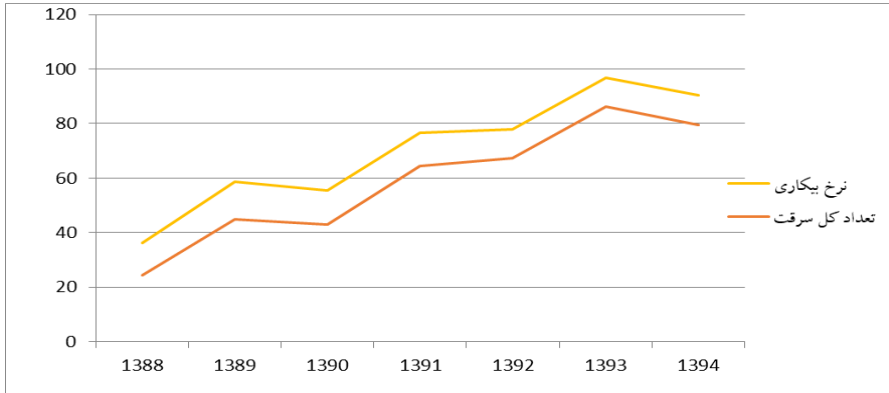
نمودار ۴ - نرخ تورم و سرقت در ایران

آزمون فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین نرخ بیکاری و میزان سرقت رابطه وجود دارد.

جدول ۴ - رابطه همبستگی میان دو متغیر نرخ بیکاری و سرقت

متغیرها (نرخ بیکاری و سرقت)	پیرسون (r)	سطح معناداری
شاخص آماری	۰/۷۲	۰/۰۰۰

برابر نتایج جدول ۴، بین نرخ بیکاری و تعداد کل سرقت در کشور رابطه معناداری مشاهده می‌شود و با توجه به سطح معناداری به دست آمده (در سطح اطمینان ۰/۹۹)، فرضیه دوم تأیید می‌شود. منحنی زیر، روند نرخ بیکاری و سرقت را طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد.



نمودار ۵ - نرخ بیکاری و سرقت در ایران

آزمون فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین نرخ رشد اقتصادی و میزان سرقت رابطه وجود دارد.

جدول ۵ - رابطه همبستگی میان دو متغیر نرخ رشد اقتصادی و سرقت

متغیرها (نرخ رشد اقتصادی و سرقت)	پیرسون (r)	سطح معناداری
شاخص آماری	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۵) بین نرخ رشد اقتصادی و تعداد کل سرقت در کشور رابطه معکوس و معناداری مشاهده می‌شود. شایان ذکر است که این میزان همبستگی در خصوص انواع سرقت؛ سرقت از اماکن دولتی (۰/۳۵۸)، سرقت از منازل (۰/۱۷۳)، سرقت خودرو (۰/۳۷۷)، سرقت موتورسیکلت (۰/۱۳۵)، سرقت قایق و موتور دریایی (۰/۷۸۶)، سرقت احشام (۰/۰۹۹) و سرقت از مغازه‌ها (۰/۰۹۳) و در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است و با توجه به سطح معناداری به دست آمده، فرضیه سوم نیز قابل قبول و مورد تأیید است.

آزمون رگرسیون چند متغیره عوامل مؤثر بر سرقت: به منظور بررسی عوامل مؤثر بر سرقت، از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است که نتایج آن به قرار زیر است.

جدول ۶ - آماره‌های تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر سرقت

خطای استاندارد بر آورد شده	ضریب تعیین تعدیل شده	R ²	R
۱/۱۸۳۵۷	۰/۵۷۳	۰/۵۷۳	۰/۷۵۷

جدول ۷ - مشخص‌کننده‌های آماری، میزان و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر سرقت

ضرایب ^a					
مدل	سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد		ضرایب غیر استاندارد
			بتا	خطای استاندارد	B
۱	۰/۰۰۰	۳۱۱۱/۱۶۰		۷۶۸/۴۱۹	۲۳۹۰۶۷۵/۶۴۸
	۰/۰۰۰	۶۷۴/۸۷۹	۰/۳۷۶	۱۱/۰۵۷	۷۴۶۱/۸۲۷
	۰/۰۰۰	۲۲۵۹/۰۱۹	۰/۷۵۴	۶۰/۸۶۶	۱۳۷۴۹۷/۶۷۸
	۰/۰۰۰	-۵۸۰/۸۷۵	-۰/۳۲۰	۲۸/۱۸۰	-۱۶۳۶۹/۲۸۰
a: سرقت در کشور متغیر وابسته					

داده‌های مندرج در جدول ۶، دلالت بر آن دارند که ضریب همبستگی سرقت با متغیرهای «نرخ تورم، نرخ بیکاری و رشد اقتصادی» به اندازه ۰/۷۵۷ است. نسبتی از واریانس سرقت نیز که توسط متغیرهای مذکور تبیین شده است، معادل ۰/۵۷۳ است و با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار است، می‌توان گفت که متغیرهای مستقل قادرند بخشی از تغییرات متغیر سرقت را تبیین کنند. براساس داده‌های مندرج در جداول ۶ و ۷، می‌توان گفت هر سه متغیر مستقل از عوامل مؤثر بر سرقت می‌باشند. تأثیر متغیرهای تورم و بیکاری بر سرقت مستقیم است؛ یعنی با افزایش یا کاهش هر یک از آنها، میزان سرقت نیز کاهش یا افزایش می‌یابد و تأثیر متغیر رشد اقتصادی با سرقت معکوس است؛ یعنی با افزایش رشد اقتصادی، سرقت کاهش می‌یابد و برعکس.

بحث و نتیجه‌گیری

جرم سرقت از مهم‌ترین جرائمی است که رابطه بسیار نزدیکی با بحران‌های جامعه دارد. بحران‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی، افزایش شکاف طبقاتی، بیکاری و مشکلات خانوادگی و غیره، نقش بسیار مؤثری در گرایش افراد به سمت ارتکاب جرم سرقت دارند. بررسی‌های روان‌شناسان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان دربارهٔ محکومان و زندانیان سرقت، نقش تأثیرگذار این بحران‌ها به‌خصوص بحران‌های اقتصادی و بیکاری را بر سرقت نشان می‌دهد. با توجه به شیوع پدیده سرقت در جامعه و آثار مخرب روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نقش جدی آن در ایجاد احساس ناامنی بین آحاد شهروندان، مطالعه وضعیت سرقت و تحلیل علل و عوامل آن می‌تواند در جهت مقابله با این پدیده شوم بسیار مؤثر واقع شود. هدف این پژوهش، بررسی رابطه نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی (نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی) و سرقت براساس آمارهای رسمی کشور در سال‌های اخیر (دوره تحریم‌های اقتصادی) است تا از این طریق بتواند سهم هریک از متغیرهای مستقل را شناسایی و تعیین کند.

بررسی آمارها نشان می‌دهد که سرقت در ایران، داری سیر صعودی است؛ به‌طوری که بعد از مواد مخدر، دومین جرم عمده در کشور محسوب می‌شود و تبیین این امر نیازمند تحقیقی فراگیر هست. روند افزایشی آمار سرقت به‌ویژه به دنبال بروز بحران‌های شدید اقتصادی در سال‌های اخیر، سیری شتابان یافته است. برابر مستندات و آمارهای رسمی موردبررسی در فاصله زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴، قریب به ۴/۱۰۳/۲۷۸ فقره سرقت در ایران به وقوع پیوسته است. بیش‌ترین نرخ رشد سرقت، در سال ۱۳۸۹ حدود ۸۴ درصد و کمترین آن معادل ۸- درصد در سال ۱۳۹۴ بوده است. همچنین، روند کل سرقت‌های انجام شده در کشور از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ در حال افزایش بوده و از رقم ۲۴۴ هزار فقره در سال ۱۳۸۸، به ۷۹۴ هزار فقره در سال ۱۳۹۴ رسیده است که رقم نسبتاً بالایی است. این شیوع فزاینده و آمار رو به رشد بیانگر آن است که سرقت به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است و لاجرم از میان راندن آن، جز با مداخلات اجتماعی میسر نخواهد بود. در خصوص تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر وقوع سرقت، تاکنون

مطالعه‌ای صورت نگرفته است؛ در صورتی که از سال ۱۳۸۸ به بعد، به دلیل تحریم‌های گسترده بین‌المللی علیه ایران، متغیرهای اقتصادی از نوسانات بالایی برخوردار بوده‌اند و بی‌ثباتی‌های مذکور بر وقوع جرم به‌خصوص سرقت در کشور تأثیر بسزایی را به همراه داشته است.

بر مبنای اطلاعات گزارش شده از سوی مرکز آمار و بانک مرکزی ایران، نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی کلان در طی دوره‌های اخیر در وضعیت نامناسبی قرار داشته‌اند؛ به‌طوری که کشور در سال ۱۳۹۱ از نرخ رشد اقتصادی معادل $5/8$ - درصد و از تورم ۳۰ درصدی برخوردار بوده است و این روند در سال‌های پس از آن نیز تکرار شده است. از طرف دیگر، روند سرقت در کشور طی دوره مورد مطالعه از سیر صعودی برخوردار بوده است؛ به‌طوری که براساس آمارهای رسمی موجود، مجموع سرقت انجام شده در کل کشور از ۲۴۴ هزار فقره در سال ۱۳۸۸ به قریب به چهار برابر آن در سال ۱۳۹۴ رسیده است. این مسئله نشانگر رابطه مستقیم بین شکل‌گیری جرم (سرقت) و رکود، تورم و وضعیت نامناسب سایر شاخص‌های اقتصادی حکایت دارد. لذا در این پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های اقتصادی بر وقوع سرقت در ایران در یک دوره ۷ ساله (طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۴) براساس آمارهای رسمی کشور (آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران) مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، ضریب متغیر شاخص تورم در معادله سرقت، دارای ضریب مثبت و معناداری است و قدر مطلق مقدار ضریب متغیر شاخص تورم در مدل سرقت، بزرگ‌تر از سایر معادلات بوده و به این معناست که افزایش شاخص تورم موجب افزایش وقوع جرم سرقت خواهد شد. لذا می‌توان گفت که بین نرخ تورم با انواع سرقت، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، یافته‌های مربوط به فرضیه دوم پژوهش (رابطه نرخ بیکاری و سرقت) نشان می‌دهد، ضریب متغیر نرخ بیکاری در معادله سرقت، دارای ضریب مثبت و معنادار است؛ بدین معنی که افزایش نرخ بیکاری، افزایش وقوع جرم سرقت را پیش‌بینی می‌کند و لذا می‌توان گفت که بین نرخ بیکاری با

انواع سرقت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. براساس نتایج و یافته‌های دیگر حاصل از پژوهش، بین نرخ رشد اقتصادی و تعداد کل سرقت در کشور نیز رابطه معکوس و معناداری مشاهده می‌شود. در خصوص مقایسه این نتایج با یافته‌های مطالعات داخلی می‌توان گفت، با نتایج تحقیقی که صادقی و همکارانش (۱۳۸۴) انجام داده‌اند، مطابقت دارد، اما از ویژگی مهم این تحقیق، استفاده از مدل نظری قوی تر اقتصادی جرم یعنی مدلی که به طور خاص به بررسی ارتباط بین شاخص‌های مهم اقتصادی و سرقت می‌پردازد، است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای اقتصادی نظیر رشد اقتصادی منفی، بیکاری، تورم و وضعیت اقتصادی خانوارها از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر جرم تأثیرگذار باشند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های سرگزایی و بایاری (۱۳۹۲)، محمدی (۱۳۹۲) و حسینی‌نژاد (۱۳۸۴) همسویی دارد. گسترش انواع بزهکاری‌های اجتماعی، جرم و جنایت، انواع فساد و ناآرامی‌های سیاسی، کاهش مهارت‌های شغلی، افزایش فقر، نابرابری و تشدید نابرابری‌های سیاسی و نابرابری‌های نژادی و جنسیتی، برخی از مشکلاتی است که در نرخ‌های بیکاری بالا در جوامع مختلف به وجود می‌آید. با توجه به رکود تورمی در سال‌های اخیر، لزوم بررسی تأثیر نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی بر جرم (سرقت) تأیید می‌شود. یافته‌های پژوهش بیانگر چند موضوع اساسی در زمینه عوامل سرقت در ایران است؛ متغیرهای اقتصادی می‌توانند به نحو مناسبی در تبیین سرقت مؤثر واقع شوند. به عبارت دیگر، ریشه اقتصادی سرقت در ایران براساس داده‌های رسمی موجود به اثبات می‌رسد و نابرابری به عنوان شرایط حاصل از عوامل اقتصادی مذکور، نقش قابل توجهی در وقوع سرقت در جامعه دارد و می‌توان پذیرفت که افزایش نابرابری در جامعه بر نرخ وقوع سرقت می‌افزاید. در پایان، براساس نتایج و یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

- سیاست‌گذاران کشور برای کاهش جرائم مربوط به سرقت، پیش از اینکه توجه خود را به مسائل انتظامی و قضایی معطوف کنند، می‌بایست به زمینه‌های افزایش جرم

سرقت توجه بیشتری داشته باشند و تلاش مضاعف برای ایجاد رونق و رشد اقتصادی جهت کاهش نرخ بیکاری و افزایش در آمد خانوارها می‌تواند از جمله این علاج‌ها باشد. - افزایش توان امنیتی جامعه از طریق اختصاص منابع بیشتر برای نیروی انتظامی و نیز تقویت انواع سامانه‌های امنیتی در مرحله بعد می‌تواند نقش قابل توجهی در زمینه کنترل و کاهش جرم سرقت در جامعه ایفا کند.

- پلیس‌های تخصصی مربوطه در نیروی انتظامی (پلیس آگاهی، پلیس پیشگیری و غیره) نیز بایستی در این زمینه اقدامات جدی‌تر و تمهیدات مؤثرتری را در قالب قرارگاه‌های جهادی مبارزه با سرقت و غیره پیش‌بینی و عملیاتی کنند.

سپاسگزاری

بدین وسیله نگارندگان بر خود فرض می‌دانند از متصدیان مرکز آمار و بانک مرکزی ایران به جهت همکاری و ارائه داده‌های مورد نیاز، همچنین از مدیرمسئول، سردبیر، گروه دبیران، داوران و مدیر اجرایی محترم نشریه به جهت اهتمام در انتشار این مقاله و به ثمر نشستن پژوهش حاضر، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- افشاری، محمد (۱۳۷۳). *بررسی علل و عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سرقت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- حامد، بیتا و پشنگ، سپیده (۱۳۸۹). *بررسی دلایل اقتصادی، اجتماعی و انتظامی سرقت در شهر کرمانشاه. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*. ۵(۱۶)، صص ۲۷-۶۱. قابل
[بازابی از: https://b2n.ir/q04798](https://b2n.ir/q04798)
- حسینی‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۴). *بررسی علل و اقتصاد جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی*. مجله برنامه و بودجه. شماره ۹۵، صص ۲-۳۵. قابل بازابی از:

<https://b2n.ir/n27629>

- حکیمی نیا، بهزاد (۱۳۹۴). گونه‌شناسی و عوامل مرتبط با سرقت در شهر اصفهان. طرح تحقیقاتی. دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اصفهان.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- سجودی، عادل (۱۳۹۲). بررسی عوامل جامعه‌شناسی مؤثر بر نگرش به سرقت (مطالعه موردی: شهر رشت). فصلنامه کارآگاه. ۲(۲۲)، صص ۶۸-۹۴. قابل بازیابی از:

<https://b2n.ir/g48939>

- سرگلزایی، ابراهیم و بایاری، عبدالرضا (۱۳۹۲). بررسی وضعیت سرقت‌های به عنف شهر بندرعباس و عوامل مؤثر بر وقوع آن در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۱. فصلنامه دانش انتظامی هرمزگان. ۳(۵)، صص ۹۷-۶۴. قابل بازیابی از: <https://b2n.ir/s75731>
- شاهینی، نیما (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه میزان اهمیت اثر متغیرهای کلان اقتصادی در وقوع جرم (سرقت). مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- شجاعیان، علی و رحیم‌پور، نگار (۱۳۹۹). تحلیل فضایی اثرسنجی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی بر جرائم سرقت شهر اهواز، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۵(۲)، صص ۵۹-۸۸. قابل بازیابی از:

http://journals.police.ir/article_93175.html

- صادقی، حسین؛ شقاقی شهری، وحید و اصغرپور، حسین (۱۳۸۴). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذاری بر جرم در ایران. فصلنامه تحقیقات اقتصادی. ۸(۶۸)، صص ۶۳-۹۰. قابل بازیابی از:

<https://b2n.ir/334228>

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: سمت.
- عباسی، مراد و کاروانی، عبداللطیف (۱۳۹۹). رابطه بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۵(۱)، صص ۵۰-۳۳. قابل بازیابی از:

http://icra.jrl.police.ir/article_93639.html

- عباسی‌نژاد، حسین (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران؛ رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۲۰(۶۴)، صص ۶۵-۸۶. قابل بازیابی از:

<https://b2n.ir/m597964>

- قاسمی، حامد و حسن لو، مهدی (۱۳۹۳). بررسی علل و عوامل سرقت‌های خرد و پیامدهای آن در شهر زنجان. دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی زنجان.
- گرشاسبی فخر، سعید (۱۳۹۰). ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۱۱(۴۰)، صص ۴۰۱-۴۲۳. قابل بازیابی از: <https://b2n.ir/n23022>
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- محسنی تبریزی، علیرضا و پروین، ستار (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). نشریه جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۰(۳)، صص ۳۷-۵۰. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=104965>
- محمدی، اصغر (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به سرقت (مطالعه موردی: زندان مرکزی اصفهان). رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مداح، مجید (۱۳۸۸). تحلیل اثر فقر و نابرابری در آمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان‌های کشور. پژوهشنامه اقتصادی. ۱۱(۳)، صص ۳۲۳-۳۰۳. قابل بازیابی از: <https://b2n.ir/d20653>
- مداح، مجید (۱۳۹۰). بیکاری و بزهکاری در ایران: تحلیلی، نظری و تجربی. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ۷(۲۷۶)، صص ۱۹۷-۱۸۸. قابل بازیابی از: <https://b2n.ir/m013940>
- نیازی، محسن؛ نصرآبادی، کارکنان و عشایری، طاها (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات سخنوران.

منابع لاتین

- Cheong, Tsun, Se & Wu, Yanrui. (2012). Inequality and Crime Rate in China, Business School, University of Western Australia, 35 Sterling Highway, Perth, WA 6009, Australia.

